

دلایل، بسترها و پیامدهای مزاحمت‌های کلامی از نظر دانشجویان دختر دانشگاه ایلام

علی فیض‌اللهی^۱

چکیده

مزاحمت کلامی نوعی از مزاحمت خیابانی و اعمال خشونت علیه زنان است که زنان در جوامع مختلف از جمله ایران به نحای مختلف آن را تجربه می‌کنند و امنیت روانی، ذهنی و عینی آنان را به مخاطره می‌اندازد. پیامدهای نامطلوب آن بر فعالیت اجتماعی زنان و القای محیطی اشباع‌شده از ناامنی برای آنان مطالعه تجربه زنان در این مورد را ضروری می‌کند. از این رو، هدف این پژوهش واکاوی دلایل و زمینه‌های بروز مزاحمت کلامی، راهبردهای مقابله‌ای و نیز پیامدهای این نوع آزار دیدگی برای دانشجویان دختر در فضاهای عمومی است. در این تحقیق، با استفاده از روش نظریه‌پردازی زمینه‌ای، افراد مورد مطالعه از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند از بین دانشجویان دختر دانشگاه ایلام، دارای تجربه حضور در مکان‌های عمومی و دارای تجربه آزار دیدگی انتخاب شده‌اند و گردآوری داده‌ها با بهره‌گیری از فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از امکانات نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی Maxqda نسخه ۲۰۱۸ تحلیل شده‌اند. در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۲۹۸ گزاره معنادار و ۹۷ مفهوم اولیه به دست آمد. در مرحله کدگذاری محوری نیز با تلفیق مفاهیم، ۴۵ زیرمقوله و ۲۰ مقوله محوری مشخص شد و با فهم دلالت‌های نهفته در مفاهیم و مقوله‌ها، به کشف مقوله هسته مبادرت شد. نتایج تحقیق حاکی از «درماندگی آموخته‌شده» و عادت‌شدن نقش «قربانی منفعل» برای دختران است که به تقویت بسترها و شرایط مشحون از مؤلفه‌های فرهنگ مردسالارانه کمک می‌کند. ماحصل کلی تحقیق را باید ذیل مقوله هسته تحقیق یعنی «مرسوم‌شدن سکوت زنان در برابر آزارگری» مورد تحلیل قرار داد که اشکالی از خرده‌فرهنگ انحرافی را پرورش می‌دهد.

کلیدواژگان

آزار کلامی، ایلام، متلک، مرسوم‌شدن سکوت زنان، مزاحمت خیابانی.

a.feizolahi@ilam.ac.ir

۱. استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت‌علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۳

مقدمه و بیان مسئله

خشونت علیه زنان به منزله یک مسئله اجتماعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت. واژه خشونت علیه زنان «برای توصیف طیف گسترده‌ای از رفتارها از قبیل خشونت عاطفی، جنسی، تجاوز فیزیکی، قتل، طعنه‌زدن، آزار جنسی، مزاحمت خیابانی و...» به کار رفته است [۳۴]. گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی حاکی از آن است که خشونت جنسی در سراسر جهان وجود دارد و آزار جنسی به طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک نگرانی بهداشتی جهانی شناخته می‌شود. نتایج مطالعات دانشگاهی در مورد این پدیده، بیانگر تأثیرات منفی این گونه آزار جنسی خیابانی بر رشد عاطفی نوجوانان و آموزشی دانشجویان است [۱۷].

مزاحمت جنسی به‌عنوان نوعی از خشونت علیه زنان به دلیل میزان بالای شیوع آن و نیز پیامدهای منفی آن برای قربانیان به یک مسئله عمده اجتماعی، حقوقی و روانی در سطح جهان تبدیل شده است. این عواقب می‌تواند شامل ازدست‌دادن شغل، فقدان یا کاهش درآمد، اختلال در بهزیستی روانی و جسمی، اختلاف و تنش در روابط خانوادگی و نیز تقلیل کیفیت زندگی زنان آزاردیده باشد. فارمر و جردن^۱ (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که آزار جنسی به اشکال مختلف همچنان رو به افزایش است [۱۹]. شکلی از آزار جنسی که کمتر مورد بحث قرار می‌گیرد مزاحمت خیابانی است که «انواع مختلف رفتارهای کلامی و غیر کلامی‌ای را که توسط یک غریبه نسبت به دیگری انجام شده است توصیف می‌کند» [۱۴] و «متلک‌پراندن» به‌عنوان نوعی از آزار کلامی معروف‌ترین شق آن است. متلک، به‌طور خاص، به آن نوعی از مزاحمت اشاره دارد که زنان در مواجهه با مردان غریبه در حال گذر در فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، وسایل حمل‌ونقل عمومی، ایستگاه‌های اتوبوس و مترو با آن مواجه می‌شوند و شامل «کنایه‌های جنسی ناخوشایند، تعبیر و اظهارات جنسی، اشارات و سوسه‌آمیز، صداهای مستهجن و توهین‌آمیز، تهدیدهای آشکار و پنهان و تحت فشار قرار دادن جهت تجاوز جنسی» است [۳۲]. مزاحمت خیابانی به چند دلیل «منحصر به فرد است، زیرا توسط افراد غریبه انجام می‌شود و اینکه در حوزه عمومی رخ می‌دهد [۱۵]، قربانیان آن عمدتاً زنان و آزارگران آن صرفاً مردان‌اند. لذا مزاحمت خیابانی باید به‌منزله نوعی از خشونت علیه زنان بررسی شود. روایت‌های متواتر دانشجویان و نیز مشاهده مزاحمت‌های کلامی در زندگی روزمره در خیابان‌های شهر، انگیزه واکاوی این پدیده در شهر ایلام است. یکی از پیامدهای بسیار نامطلوب مزاحمت خیابانی برای یک جامعه، بیرون‌راندن نیمی از جمعیت از عرصه حیات جمعی و فضای

1. Farmer & Jordan

عمومی به قلمرو خصوصی خانه و محروم‌سازی جامعه از ظرفیت کار و خدمت آنان و از همه مهم‌تر سلب آزادی و حقوق مدنی زنان است و همان‌گونه که بلکستون نیز می‌گوید: آزادی، یعنی «قدرت تحرک»، یکی از حقوق مدنی اصلی بشر است و آزادی آن‌گونه که جان لاک^۱ می‌گفت یعنی «آزادبودن از محدودیت و خشونت از سوی دیگران» (لاک، ۱۷۴۸ به نقل از باومن، ۱۹۹۳: ۵۲۰) [۱۴].

در حال حاضر، در ایران مطالعات اندکی در مورد تجربه‌آزاردیدگی زنان از قبل طیف وسیعی از مزاحمت‌های کلامی که در فضاهای عمومی تجربه می‌کنند وجود دارد، زیرا تحقیقات در مورد خشونت علیه زنان بیشتر متمایل به تمرکز بر بررسی تجاوز جنسی و خشونت همسران است، اما در واقعیت اجتماعی زنان جوان انواع خشونت و تجاوزات جدی ناگرفته‌شده‌ای نظیر آزار کلامی یا «متلک» یا اظهار نظرهای نامطلوب و آزاردهنده را در زندگی روزمره خویش تجربه می‌کنند که به دلیل بیش از حد ذهنی و سیال بودن این نوع از خشونت و آزارهای خیابانی کمتر مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته‌اند. به چند دلیل تمرکز بر بررسی مزاحمت خیابانی در تجربه زیسته دانشجویان دختر در شهر ایلام شایسته توجه است: اول، نوپا بودن دانشگاه در استان و توسعه آن در دهه ۱۳۷۰؛ دوم، گسترش بی‌رویه مراکز آموزش عالی در استان در دهه ۱۳۸۰؛ سوم، تمرکز عمده مراکز آموزش عالی در حاشیه غربی شهر ایلام و تردد فوق‌العاده زیاد عابران سواره، پیاده و عمدتاً جوان در این مسیر؛ چهارم، سهم بالای دانشجویان دختر در حال تحصیل و حضور دانشجویان شهرستان‌های استان و سایر استان‌های زاگرس‌نشین در این دانشگاه و حجم بالای تردد این دانشجویان از حاشیه شهر به ایستگاه‌های ناوگان حمل‌ونقل درون‌شهری، مراکز تجاری و... شرایط و پتانسیل لازم را برای در معرض مزاحمت و آزار قرار گرفتن آنان فراهم می‌کند. علاوه بر این، مزاحمت خیابانی و کلامی از نظر اجتماعی و روانی تأثیرات زاینباری همچون حس تحقیرشدگی، ناامنی روانی و اجتماعی، احساس تبعیض، هراس از فعالیت در فضاهای عمومی و انفعال را برای زنان به دنبال دارد. لذا مطالعه این موضوع ضرورت دارد و بر این اساس، این پژوهش درصدد است دریابد که دختران دانشجو تحت کدام شرایط علی، بسترها و زمینه‌ها قربانی مزاحمت‌های خیابانی شده‌اند؟ نقش دختران بزه‌دیده در آزاردیدگی آن‌ها چگونه است؟ و در مقابله با پدیده مزاحمت خیابانی چه راهبردهایی را اتخاذ کرده‌اند؟ و نیز آثار و پیامدهای مزاحمت بر زندگی آنان چه بوده است؟

مروری بر پیشینه تحقیق

معصوم علی و نیلام^۱ (۲۰۱۸) براساس داده‌های حاصل از توزیع پرسش‌نامه بین ۲۵۰ زن دارای تجربه مزاحمت خیابانی در شهر کراچی نشان می‌دهند که بیشترین رفتار آزاردهنده مردان، خیره‌شدن (۹۸درصد) و نیز صداهای غیرکلامی (۸۳درصد) بوده است. همچنین دریافتند که مزاحمت خیابانی تأثیرات نامطلوبی برای زنان داشته است [۳۰]. بیلی^۲ (۲۰۱۷) در مقاله متلک به زنان در پنج کشور و چهار زبان ویدئوهای ضبط‌شده از متلک‌های مردان به زنان جوان در خیابان‌های شهرهای منتخب در کشورهای (پرو، کلمبیا، امریکا، ایتالیا و مصر) و چهار زبان (انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی و عربی) در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ را که در اینترنت منتشر شده بودند تحلیل کرده است. وی متداول‌ترین اعمال مزاحم را براساس فراوانی به این صورت مقوله‌بندی کرده است: نشانی‌خواستن، سلام‌کردن، ابراز شگفتی یا تحسین، فراخواندن و پرسیدن سؤالات خطاب^۳ [۱۱].

دیلون و بکایا (۲۰۱۴) برای درک ماهیت مزاحمت‌هایی که زنان با آن‌ها مواجه شده‌اند، پیامدهای ادراک‌شده و شیوه‌های مقابله با آن از طریق انجام‌دادن مصاحبه با بیست زن در سنین ۱۸ تا ۳۰ ساله دریافتند که مزاحمت‌ها بیشتر در نقاط شلوغ و در روشنایی روز رخ می‌دهند. مزاحمت به عواملی نظیر نگرش شایع به زنان و ضعف اجرای قانون ارتباط دارد. مشارکت‌کنندگان به دلیل ترس از افزایش مزاحمت، به جای مقابله با آزارگران از آنان دور می‌شوند [۱۵].

فاطمیما (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری و نهادی نظام مردسالار در جامعه مصر بر آزار خیابانی اثر دارد. در دهه‌های اخیر، نرخ بالای بیکاری بین مردان، شرایط حمایت‌گر ساختار مردسالارانه را تضعیف کرده است. آزار خیابانی زنان نشان‌دهنده این است که این تحولات توانایی مردان مصری را در ایفای نقش سنتی خویش به‌عنوان نان‌آور خانواده مختل کرده است؛ چیزی که به ناکامی و مردانگی‌زدایی از مردان منجر شده است [۲۸]. فایر چایلد و رودمن^۴ بیان می‌دارند که مزاحمت غریبه‌ها یک تجربه تکراری برای زنان جوان است و این امر دلالت‌های منفی برای بهزیستی آنان دارد. مزاحمت جنسی غریبه‌ها با خود شیء‌انگاری زنان رابطه مثبت دارد [۱۸؛ ۳۳]. محمدی و همکاران بر آن‌اند که دو مقوله مزاحمت‌های کلامی و اعمال تعقیبی حاصل تفسیر زنان از دلایل احساس ناامنی در فضاهای همگانی شهری‌اند و بر تعامل‌های مخدوش و دیگرهراسی بین دو جنس در وضعیت

1. Masoom Ali and Neelam
2. Bailey
3. asking rhetorical questions
4. Fairchild & Rudman

فعلی جامعه ما دلالت دارند [۸]. ریاحی و لطفی خاچکی دریافتند که پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن اثر منفی دارند [۴]. ایمان و همکاران دریافتند که دختران چهار نوع از مزاحمت‌های بصری، کلامی، تعقیبی و لمسی را تجربه کرده‌اند. مزاحمت‌های بصری بیشترین شیوع را داشتند و پس از آن به ترتیب مزاحمت‌های کلامی، لمسی و تعقیبی قرار داشتند. همچنین بیشترین نوع واکنش دختران به مزاحمت‌ها منفعلانه و همراه با سکوت بوده است [۲].

به‌طور کلی تحقیقات انجام‌شده در مورد مزاحمت خیابانی در ایران را می‌توان ذیل تجربه مزاحمت (لهسای زاده و یوسفی‌نژاد، ۱۳۹۰؛ حیدری چروده، ۱۳۸۹؛ ذکایی، ۱۳۸۴ و ریاحی و لطفی، ۱۳۹۴) که بر میزان شیوع و عوامل مؤثر بر مزاحمت خیابانی تأکید دارند و واکنش به مزاحمت (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰؛ ریاحی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۴)، که عمدتاً واکنش‌های مقابله‌ای زنان در برابر آزارگران را مورد بحث قرار داده‌اند، تقسیم کرد.

مروری بر رویکردهای نظری

در پژوهش‌های کیفی و به‌ویژه در روش تحقیق مبتنی بر نظریه زمینه‌ای اصولاً نظریه از دل تحقیق برمی‌آید و تحقیق با نظریه آغاز نمی‌شود و به عبارتی نظریه کاربردی ندارد، ولیکن برخی از روش‌شناسان نظیر کرسول (۱۳۹۲) بر آن‌اند که از نظریه‌ها باید به‌عنوان لنزهای نظری در تحقیقات کیفی بهره برد [۶]. بر این اساس، نظریه‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند عمدتاً می‌توانند به‌عنوان لنز نظری جهت ایجاد حساسیت نظری و نیز برای پرتوافکنی بر جریان تحقیق در مورد موضوعات رفتاری کجروانه از قبیل موضوع حاضر، که ماهیت کیفی دارند، راهگشا باشند و به‌عنوان مبنا و ابزاری برای ایجاد حساسیت نظری نسبت به چنین پدیده‌هایی مورد توجه قرار گیرند.

نظریه یادگیری اجتماعی عقیده دارد که «خشونت علیه زنان در متن جامعه‌پذیری در خانواده، یعنی اولین کارگزار اجتماعی شدن، آموخته می‌شود» [۲۵]؛ مثلاً می‌توان درماندگی آموخته‌شده^۱ را برای بررسی چگونگی تداوم خشونت به‌واسطه تعامل بین قربانی و متجاوز به کار برد. مطابق این دیدگاه مزاحمت خیابانی و متلک‌پرانی مردان به زنان امری آموخته‌شده است و درماندگی آموخته‌شده زنان آنان را در مقابل این تجاوزات مردانه به واکنش‌های منفعلانه وامی‌دارد.

مفهوم بی‌اعتنایی مدنی^۲ گافمن (۱۹۶۳) بیانگر یک میثاق بنیادین مبتنی بر این نظام

1. helplessness learned
2. civil inattention

هنجاری است که «به فرد یادآوری می‌کند که دیگری حضور دارد... و فرد می‌تواند لحظه‌ای به کسی بنگرد، اما در لحظه بعدی توجه خود را به جایی دیگر و چیزی دیگر معطوف کند... تا بنمایاند که وی هدف کنجکاوی و خیره‌شدن نیست» [۲۱] و گافمن اصرار دارد که این «دستور کار یا نظم تعامل با نظام‌های نهادی، نقش‌ها و روابط، پایگاه‌های اجتماعی، سبک‌های فرهنگی و مانند آن همراه است [۲۲؛ ۲۴]، اما در واقعیت همیشه چنین نیست و گاهی تحت شرایطی این قاعده نقض می‌شود، زیرا ممکن است مردان خود را ملزم به رعایت بی‌اعتنایی مدنی نسبت به زنان ندانند.

دیدگاه فمینیستی در تحلیل خشونت علیه زنان بر ساختار روابط در یک فرهنگ تحت سلطه مرد (مردسالار)، بر قدرت و بر جنسیت تمرکز می‌کند [۲۵]. فمینیست‌ها مدعی‌اند که روابط میان مردان و زنان در حوزه‌های مختلف زندگی الگوهای نابرابری جنسیتی را بازتاب می‌دهند و این نابرابری‌ها و تفاوت‌ها محصول جامعه‌اند و برای تداوم بخشیدن به سلطه مردان ایجاد شده‌اند [۵]. لذا مزاحمت خیابانی و متلک‌پرانی محصول سنت‌های درازدامن سلطه مرد است و خشنودی جنسی مردان و آزار زنان در خیابان را نوعی اعمال کنترل و سلطه مردان تلقی می‌کند. باتلر در کتاب *معضل جنسیت* (۱۹۹۰) این عقیده را که تفاوت‌های جنسیتی در ماهیت بیولوژیکی و روان‌شناختی ما ریشه دارد رد می‌کند و می‌گوید ما مرد یا زن متولد نمی‌شویم، بلکه می‌آموزیم که همچون مردان یا زنان عمل کنیم. هویت جنسی، بازی (ایفا) می‌شود [۵].

دیدگاه خرده‌فرهنگ خشونت بر آن است که «خشونت نوعی شیوه زندگی برای افراد طبقات پایین‌تر جامعه است» [۳۶]. مطابق این دیدگاه، می‌توان گفت که برخی از گروه‌ها ارزش‌های توجیه‌گر مزاحمت خیابانی و خشونت علیه زنان را حفظ می‌کنند و مزاحمت خیابانی به واسطه عضویت در خرده‌گروه‌های همسالان موافق این رفتار خشن علیه زنان تقویت می‌شود. دیدگاه سبک زندگی قربانی نیز بر آن است که بعضی از سبک‌های زندگی احتمال قرارگرفتن در معرض قربانی‌شدن را افزایش می‌دهند [۱۴]. در موضوع مورد بحث، نوع پوشش زنان، حضور در فضاهای بدون دفاع و کنترل‌نشده و رفتارهای اغواکننده از سوی زنان را می‌توان از مصادیق آن دانست.

چارچوب مفهومی

در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت که برخی از رویکردهای نظری فوق بر بررسی ویژگی‌های فردی آزارگران و آزاردیدگان متکی‌اند؛ از جمله می‌توان از نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه بی‌اعتنایی مدنی گافمن نام برد. در این تحقیق، برای ایجاد حساسیت نظری از مفاهیم درماندگی آموخته‌شده زنان، یادگیری خشونت از طریق نهادهای اجتماعی‌کننده مثل خانواده،

تداوم خشونت از قبل چگونگی تعامل بین قربانی و متجاوز از نظریه یادگیری اجتماعی و نیز از دیدگاه گافمن مفهوم نقض بی‌اعتنایی مدنی و غریبگی و همچنین از دیدگاه فمینیستی ایدئولوژی سلطه مرد و از نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی نیز پذیرش و آموزش فرهنگی نابرابری جنسیتی و نهایتاً از نظریه خرده‌فرهنگ خشونت، ارزش‌های خرده‌فرهنگ عضویت‌گزینش شده‌اند و در تحلیل یافته‌های تحقیق نقش‌آفرین بوده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی است و براساس روش نظریه زمینه‌ای^۱ انجام گرفته است و داده‌های حاصل از جریان مطالعه به تکوین نظریه‌ای فرایندی و متناسب با پدیده مورد بررسی می‌انجامد که می‌تواند فرایند یا تعامل عوامل پدیدآورنده آن را در قالب یک مدل پارادایمی تبیین کند. در این روش، چون «تفسیرها بناشده بر» (یا مبتنی بر) داده‌های تجربی مشاهده‌شده هستند، نظریه زمینه‌ای نامیده می‌شود» [۱۲]. روش استفاده‌شده در این تحقیق رویه نظام‌مند منسوب به استراوس و کوربین است [۱]. در این تحقیق، ابتدا اهداف و سؤالات پژوهش مشخص شده‌اند و سپس داده‌ها را از طریق مصاحبه با دانشجویان دختر منتخب گردآوری و در گام سوم داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تجزیه و تحلیل شده و نهایتاً مدل پارادایمی تحقیق نگاشته شده است. در کدگذاری باز^۲، محقق داده‌های متنی خام را خط به خط بررسی کرده تا ایده‌ها، کنش‌ها و برهم‌کنش‌های مرتبطی را که تحت عنوان مفاهیم کدگذاری می‌شوند شناسایی کند» [۱۲]. در کدگذاری محوری^۳ مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌ها جهت تبیین آزمایشی روابط علی به هم وصل شده‌اند که بتوانند به طور آزمایشی پدیده مورد نظر را تبیین کنند. در مرحله سوم، که کدگذاری گزینشی^۴ است، مقوله مرکزی یا یک متغیر هسته شناسایی و به شکلی منطقی با مقوله‌های دیگر مرتبط شده است. کدگذاری داده‌های جدید و پالایش نظریه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است [۶].

در مطالعه حاضر، به دلیل نوع مطالعه از نمونه‌گیری هدفمند^۵ استفاده شده است. طرح نمونه‌گیری هدفمند یا برگزیده می‌تواند امکان‌پذیری دستیابی به یک نمونه نمایان از افراد مورد نظر را افزایش دهد و به همین منظور «پاسخ‌دهندگان براساس تجربه‌شان در مورد پدیده مورد مطالعه به صورت غیرتصادفی انتخاب می‌شوند» [۱۲]. بر این اساس، اطلاعات

1. grounded theory
2. Open Coding
3. axial coding
4. Selective Coding
5. purposive sampling

این پژوهش محصول مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ۲۱ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه ایلام است که تجربه حضور در مکان‌های عمومی و به‌ویژه فضای تفریحی تجاری موسوم به بام ایلام در مجاورت دانشگاه را دارند و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و به صورت تدریجی از طریق حضور در دو مکان «بام ایلام» و «ایستگاه اتوبوس‌رانی دانشگاه» انتخاب شده‌اند. همچنین از نمونه‌گیری نظری^۱ که عمدتاً ناظر بر فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی است استفاده شده است، زیرا محقق هم‌زمان با گردآوری داده‌ها به کدگذاری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و «نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که به اشباع نظری رسیده باشیم و اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند [۳]. در این پژوهش، از معیار مقبولیت برای اعتباریابی استفاده شد که خود مبتنی بر مقبولیت پژوهش‌گر، درگیری طولانی‌مدت و مداوم با داده‌ها و بازنگری ناظران بیرونی است. قابلیت تصدیق از طریق حضور مستمر محقق در میدان تحقیق، انجام دادن و استخراج دقیق مصاحبه‌ها، بهره‌گیری از روش ممیزی یا نظارت داوران محقق شد و قابلیت انتقال از طریق نگارش یادداشت‌های فنی، مقایسه و مقارنه یافته‌ها با ادبیات تحقیق و آرای صاحب‌نظران مورد وثوق قرار گرفت. در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، از سه روش کدگذاری استفاده شده است و مراحل کدگذاری باز و محوری در تحقیق حاضر با استفاده از نرم‌افزار maxqda نسخه ۲۰۱۸ انجام شده است.

یافته‌ها

چنان‌که اشارت رفت، در ضمن مصاحبه با پاسخ‌گویان در یک فرایند رفت‌وبرگشتی تحلیل داده‌ها به کدگذاری داده‌ها پرداخته شد و در جریان کدگذاری باز، تعداد ۲۹۸ گزاره معنادار و ۹۷ مفهوم اولیه به دست آمد، با تلفیق و یکسان‌سازی مفاهیم، ۴۵ زیرمقوله و ۲۰ مقوله محوری استخراج شد و با استفاده از این مقوله‌های برآمده از تحقیق، و با کشف دلالت‌های نهفته در مصاحبه‌ها به تحلیل نتایج پرداخته شده است که براساس مدل پارادایمی ارائه شده‌اند.

جدول ۱. نتایج مراحل کدگذاری و مقوله‌سازی

مقوله هسته	مقوله محوری	زیرمقوله	مفهوم	بعد
	قدرت‌نمایی مردان	توجه‌طلبی نمایش قدرت کلیشه‌ای شدن	جلب توجه، خودشیفتگی پسران نمایش قدرت، جریزه‌داشتن پسران، نمایش شجاعت مردانه کلیشه جنسیتی، نشانگان رفتاری	
	طعمه‌انگاری دختر تنها	طعمه‌نگری	دید طعمه‌ای به خانم‌ها، تصور مشکل داشتن دختر تنها، تصور طالب بودن دختر	شرایط علی
	غریبگی	ناشناختگی رهگذر بودن	ناشناس بودن، غریبه‌بودن، غیربومی عابر در حال گذر، سواره، عابر پیاده، راننده‌ها	
	هجوم بی‌مهار جوانان به فضاهای عمومی	حضور زیاد جوانان جنبه تفریحی حضور	دوردور کردن، تجمع جوانان حضور جوانان جهت بازی، سرگرمی و تماشای چشم‌انداز	
مرسوم‌شدن سکوت زنانه	کنش عادت‌واره‌ای	هنجاری شدن تلقی اقتضایی فرهنگ مردانه	عادت‌شدن متلک نزد مردان تلقی جوانی کردن از رفتار پسران سنت زورگویی مردان، فرهنگ مردسالار	
	خودنمایی دختران	سبکسری پوشش اغواگرانه	خنده با صدای بلند، رفتارهای سبک‌سرانه بعضی دختران شیک‌پوشی، آرایش زیاد، حس خوب از متلک تحسین‌آمیز، برخورد با متلک به‌مثابه تفریح	بستر و زمینه
	بی‌اعتنایی اجتماعی	بی‌مسئولیتی بی‌رغبتی	دنبال در دسر نبودن مردم، بی‌اعتنایی شاهدان بی‌رمقی و کرختی اجتماعی، خود را به ندیدن زدن	
	کنش جانبدارانه مردان هراس از بدنامی	همدستی مردان حمایت متقابل ترس از نشان شدن	هواداری مردان از همدیگر حمایت متقابل مردان از هم داوری غیرمنصفانه، انگشت‌نماشدن	
	بی‌پشتوانگی دختران	فضای رهاشده	نبود مقر پلیس، نبود نظارت، فضای دوردور جوانان	شرایط مداخله‌ای
	فضای پُرازدحام	انبوه جمعیت امکان گریز ترافیک	شلوغی مکان، جمعیت زیاد امکان گریز مزاحم ترافیک سنگین، تردد فراوان خودرو، مسیر طبیعت‌گردها	

شرمندسازی	توسل به سنت محلی	توسل به ارزش‌های اخلاقی	توسل به ارزش‌های اخلاقی	یادآوری آیین مردانگی، یادآوری ناموس‌پرستی مرد ایرانی	یادآوری تصور خواهر/مادر فرد مزاحم در وضعیت من، توجه‌دادن به ارزش‌های والای اخلاقی خود را به نشنیدن زدن، نادیده‌گرفتن	راهبردها
نادیده‌انگاری	بی‌اعتنا نشان‌دادن	-	بی‌اعتنا نشان‌دادن	دعوا، ناسزاگویی، جیغ و داد	بی‌اعتنا رد شدن	
اعتراض خشونت‌ورزانه	-	-	-	دور شدن از محل، فرار	دور شدن از حضور در اجتماع، بی‌اعتمادی اجتماعی	
اعتراض استیصال‌آلود	ترک محل زاری کردن	-	ترک محل زاری کردن	امتناع از حضور در اجتماع، بی‌اعتمادی اجتماعی		
انزوای تحمیلی	-	-	-	ناراحتی، عصبی شدن، درگیری ذهنی		
امنیت هستی‌شناختی مخدوش	ذهنیت منفی	فقدان امنیت	ذهنیت منفی	اضطراب، ترس، احساس منفی، انرژی منفی	کاهش اعتماد به نفس، تردید به خویش	
طرد مردان	حس آزار نگرش منفی به مردان	حس آزار نگرش منفی به مردان	حس آزار نگرش منفی به مردان	حس آزار دیدگی بدبینی به پسران، تنزل شأن مردان	حس آزار دیدگی بدبینی به پسران، تنزل شأن مردان	پیامدها
داغ بدنامی	-	-	-	احساس تنفر از مردان غیرمنصفانه داوری شدن، انگشت‌نمایشیدن	احساس تنفر از مردان غیرمنصفانه داوری شدن، انگشت‌نمایشیدن	
ازهم‌گسیختگی روانی	حس حقارت	حس حقارت	حس حقارت	حس حقارت، تحقیر شدن، خواری	حس حقارت، تحقیر شدن، خواری	
	احساس فشار	احساس فشار	احساس فشار	فشار روانی، احساس منفی برای دختر بودن	فشار روانی، احساس منفی برای دختر بودن	

الف) شرایط علی

قدرت‌نمایی مردان

متلک‌پرانی پسران جوان را برخی از محققان نوعی از مناسک گذار تلقی می‌کنند و گاهی بنا به زمینه فرهنگی احتمالاً نشانه شجاعت و دلیری پنداشته می‌شود. در جامعه بررسی شده که ارزش‌های سنتی مردسالارانه کماکان پررنگ هستند، نمایش قدرت پسران از هر طریقی قابل

تصور است. چنان‌که به عقیده یکی از مصاحبه‌شوندگان «پسرها با این کار دنبال نشان دادن قدرت و برتری و جریزه داشتن نسبت به هم سن و سال‌ها و دوستان خود نیز هستند». از نظر دختری دیگر «این رفتارهای پسران نوعی جلب توجه و خودنمایی و ابراز وجود است و تا حد زیادی خودشیفتگی هم در آن هست».

طعمه‌انگاری دختر تنها

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، نظریه کلیشه جنسیتی، وضعیت زمینه‌ای قربانی را به باورها و انتظارات از نقش فرد در یک موقعیت خاص ربط می‌دهد و قرار گرفتن دختران در موقعیت‌هایی همچون تردد تنها در فضاهای عمومی احتمالاً آنان را در معرض مزاحمت کلامی و غیر آن قرار دهد. چنان‌که به نظر مهناز:

متأسفانه، براساس یک کلیشه جنسیتی رایج بین مردم، بسیاری از پسرها تصور می‌کنند که هر دختری که در مراکز خرید یا تفریحی به تنهایی در حال گشت‌زدن، حتماً یک دلیلی دارد و به خودشون اجازه می‌دن مزاحمش بشن و پیشنهاد رابطه می‌دن.

شهرلا از تجربه خود و دوستانش چنین یاد می‌کند:

برخی از فروشندگان و مغازه‌داران تا می‌فهمند دانشجو و غیربومی هستید، تعارف می‌کنند که بهای جنس رو نپردازی و شماره می‌دن.

زهره که متأهل هم هست می‌گوید:

باور می‌کنید من از کسی که انتظارش رو نداشتم پیشنهاد داشتم، راننده میان‌سال آژانس تاکسی تلفنی به حدی اصرار داشت که ترسیده بودم و کم مونده بود بزنم زیر گریه.

روایت‌های دخترانه فوق چند کلیشه مرسوم مزاحم مجرد، جوان، طبقه پایین اجتماعی، بیکار و ولگرد را و نیز دختران زیبا، شیک‌پوش و مجرد را در ارتباط با آزارگران و آزاردیدگان در خیابان به چالش می‌کشند.

غریبگی

غریبه‌بودن و ناآشنا بودن فرد مزاحم بدان دلیل که بیگانه ناشناس، گمنام و غریبه‌ای است که به محض گم شدن بین جمعیت، قابل شناسایی نیست و شانس گزارش دادن و پیگیری وی نیز کاهش می‌یابد، به نوعی برایش اطمینان‌بخش است. به عقیده لعیا:

اینکه یک فرد غریبه که هیچ شناختی به ما ندارد چطور این شجاعت رو دارد که خیلی راحت به یک فرد غریبه دیگه چنین پیشنهادی بده، ولی اگر اونجا یک مرد حضور داشته باشه، احتمالاً چنین شجاعتی ندارن.

به عقیده رویا:

مشکلی که در اطراف و مسیر دانشگاه و در بام ایلام با آن مواجهیم اینه که پسرای جوان، چه دانشجو و چه ساکنان محلی، عمدتاً غریبه و ناآشنا هستن و این مطلب ناشناختگی به یه شکلی بهشون جرئت بیشتری می‌ده که مزاحمت ایجاد کنن؛ به‌خصوص عصرها که خیلی شلوغ می‌شه.

ب) بستر و شرایط زمینه‌ای

کنش عادت‌واره‌ای

کنش عادت‌واره‌ای تلفیقی از سه خرده‌مقولهٔ هنجاری‌شدن، تلقی اقتضایی و فرهنگ مردانه است و ناظر بر این معناست که ریشهٔ مزاحمت خیابانی را باید در ساختار اجتماعی جامعه جست‌وجو کرد. در تعبیری بوردیویی می‌توان گفت که از برهم‌کنشی ساختار اجتماعی و ایدئولوژی و فرهنگ مردسالار، منش شکل می‌گیرد و کنش فرد را هدایت می‌کنند. چنان‌که آزیتا می‌گوید:

دفعات زیادی پیش اومده که من پوشش رسمی و چادری مثل پوشش اداری داشتم و بدون آرایش و بدون هرگونه جلب توجه در حال رفتن به دانشگاه یا خونه بودم و چندین نفر بهم متلک پراندن و فکر می‌کنم دیگه عادت شده براشون.

زمره، دانشجوی کارشناسی ارشد، نگاهی ساختاری به مزاحمت تجربه‌شدهٔ خیابانی دارد و معتقد است که:

ایدئولوژی و فرهنگ مردسالار موجود به نظرم یک عاملی هست که چنین منشی رو بازتولید می‌کنه. چون شنیده‌ام گویا در مناطقی از ایران یک زمانی ربایش دختر برای همسری معمول بوده و مزاحمت خیابانی نوع مدرن‌شدهٔ اونه. با خنده همراه با تردید. و عادت‌شدن این موضوع می‌تونه یک نوع نگاه یا نوعی عادت باشه.

در تحلیل تجربهٔ دختران آزاردیده می‌توان گفت: هنجاری‌شدن فرودستی زنان به شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی منجر می‌شود که انواع آزارهای اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و حتی جنسی را بر بدن زنان روا می‌شمرد و زنان را نیز در تجربهٔ این آزارها به مدارا و صبوری و سکوت دعوت می‌کند [۱۰].

هجوم بی‌مهار و انبوه^۱ مردان جوان به فضاهای عمومی

شهر ایلام از شهرهایی است که به دلیل طفیلی‌بودن و وابستگی به بودجه‌های دولتی در زمرهٔ شهرهای پرمسئله و مشکل‌زاست که فاقد امکانات تفریحی متناسب با فضای زیست‌شهری است و اندک‌امکانات ایجادشده در سال‌های اخیر محل رجوع جوانان و ایجاد فضای پُرازدحام و

1. mass & unbridled influx

کنترل‌ناشده مستعد رفتارهای بزهکارانه از جمله مزاحمت کلامی برای دختران است. چنان‌که مهشید، دانشجوی دانشکده کشاورزی، معتقد است:

کمبود امکانات تفریحی نظیر سالن‌های سینما و تئاتر و فضاهای فرهنگی در شهر موجب می‌شود که جوانان در اندک فضاهای در دسترس چون خیابان طالقانی و چند تا پاساژ شهر پرسه بزنند و به علت شلوغی و ازدحام جمعیت به چنین افعالی دست بزنند.

خودنمایی دختران

مهسا، دانشجوی کارشناسی، معتقد است:

همیشه نباید مرد را سرزنش کرد. انصاف حکم می‌کند که اعتراف کنیم رفتارهای بعضی از دخترها هم در زمان و مکان اشتباه مثلاً با صدای بلند خندیدن توی خیابون زمینه‌ش رو ایجاد می‌کنه.

تصویری که این دسته از دختران از فرایند و دلیل مزاحمت کلامی ارائه می‌دهند در راستای سرزنش قربانی است؛ درحالی‌که گروهی دیگر از دختران، این کلیشه جنسیتی خطاکارپندارانه مبتنی بر نقش اغواگریانه زنانه را به‌منزله محرک مزاحمت کلامی و... رد می‌کنند.

بی‌اعتنایی اجتماعی

پدیده «بی‌اعتنایی اجتماعی» در جامعه امروز ایران نیز از جمله مضامینی است که در روابط متقابل با پدیده‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است [۹].

مهشید در این مورد می‌گوید:

همیشه این مطلب ذهنم رو درگیر می‌کنه چطور مردم حاضر در محل برایشون اهمیتی نداره و خودشون رو به نشنیدن و ندیدن می‌زنن؟

و راحیل نیز می‌گوید:

اتفاقاً من یک‌بار از رهگذران جلوی ایستگاه دانشگاه پیام نور کمک خواستم هیچ‌کس توقف یا توجه نکرد.

بی‌اعتنایی اجتماعی مردم و ایفای نقش تماشاگر می‌تواند در عواملی نظیر پرهزینه بودن مخالفت با مزاحمان به‌ویژه مزاحمان لابلال، سلب مسئولیت از خویش و مسئول دانستن کارگزاران رسمی کنترل اجتماعی (پلیس) و نیز ناامید شدن از تأثیر دخالت به دلیل تکرار فراوان این پدیده و هنجار شدن این ناهنجاری ریشه داشته باشد.

ج) شرایط دخیل

کنش‌های گروهی همکاری‌جویانه مردان

میترا معتقد است:

گاهی اوقات قشنگ معلومه که این مزاحمان باهم همدست هستن. یکی شون متلک می‌گه و وقتی اعتراض می‌کنی، دیگری مثلاً با شما همدلی می‌کنه و دلجویی می‌کنه که شما بزرگی کن و ببخش و از این حرف‌ها و به شکلی می‌خواد باهات لینک بشه.

کنش‌های مشارکتی و هواخواهانه مزاحمان اولاً پوشش مناسب را برای مزاحمت ایجاد می‌کند و ثانیاً زمینه بی‌اعتنایی و دنبال در دسر نگشتن ناظران را فراهم می‌کند و ثالثاً امکان فراری دادن مزاحم را در صورت واکنش دختر یا شاهدان آسان می‌کند.

بی‌پشتوانگی دختران

از برآیند صحبت‌های چند تن از دانشجویان دختر، که در قالب واژه‌ها و عباراتی که به تصریح یا ضمنی پرتکرار بوده‌اند نظیر: «نبود مقرر پلیس در محورهای تردد دانشجویان»، «نبود نظارت»، تبدیل شدن بام ایلام و محدوده پنج مرکز دانشگاهی به «مکان و فضای دور دور جوانان»، مقوله‌هایی نظیر استیصال و بی‌پشتوانگی برای دختران استخراج شده است.

فضای پُرازدحام

براساس منطق نظریه انتخاب عقلانی افراد به شکلی هدفمند در پی بیشینه‌سازی سود خویش هستند و در سر دو راهی‌های گزینشی «کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر استفاده را نصیبش می‌کند» [۷؛ ۲۳]. در مصاحبه‌ها کلیدواژه‌های «مکان‌های شلوغ»، «بام ایلام»، «خیابان طالقانی»، «در جمع دوستان»، «ایستگاه اتوبوس»، «پاساژها» و تعدادی نیز «هنگام تنها بودن» را ذکر کرده‌اند. از این رو، می‌توان گفت که مزاحمان برای کاهش هزینه خویش عمدتاً براساس ضعیف بودن امکان شناسایی، امکان فرار و ضعف سازوکارهای کنترل رسمی که ازدحام بالای جمعیت یا فضای پُرازدحام چنین امکانی را برایشان فراهم می‌کند یا خلوت بودن مکان و تنها بودن قربانی تصمیم به مزاحمت می‌گیرند.

د) راهبردها

یک مقوله مهم در مزاحمت‌های خیابانی نوع واکنش دختران به آزارگران است که طیف متنوعی از واکنش‌ها را دربر می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی واکنش فعالانه و منفعلانه دسته‌بندی کرد.

نادیده‌انگاری مزاحمان

واکنش معمول به مزاحمت‌های خیابانی نادیده‌گرفتن مزاحم است. درحالی‌که مواجهه درست یا مکانیزم مقابله با مزاحمت خیابانی، که به طور مکرر اتفاق می‌افتد، گزارش کردن به پلیس یا برخورد با مجرم است [۱۸]. دخترانی را که به نادیده‌گرفتن مزاحمت مزاحمان خویش عادت کرده‌اند می‌توان «قربانیان منفعل» نامید. چنان‌که فریبا می‌گوید:

من در مواجهه‌شدن با مزاحمان بهشون اهمیت نمی‌دم تا تحقیر بشن و اعتمادبه‌نفس خودم رو بهشون ثابت کنم.

لعیا نیز راهبرد خودش را در مواجهه با مزاحمان این‌گونه شرح می‌دهد:

اتفاقاً در هفته پیش چند بار برام پیش اومده، ولی واکنش تندی نشون ندادم؛ چون واقعیتش می‌ترسیدم جری‌تر بشن و یه جورایی خودم رو به نشنیدن زدم و رل بازی کردم که مثلاً نشنیدم؛ ولی واقعاً در دلم خشمگین بودم.

اعتراض استیصال‌آلود

فیرچاپلید و رودمن (۲۰۰۸) دریافته‌اند که اکثر زنان از استراتژی‌های مقابله‌ای منفعلانه و غیراظهاری در برابر مزاحمان استفاده می‌کنند [۱۸]. همچنین ماگلی^۱ (۲۰۰۲) نیز دریافت که واکنش زنان معمولاً اجتناب از تحریک مزاحمان یا نادیده‌انگاری آنان است [۲۷]. مهسا می‌گوید:

واکنش من به نوع متلک بستگی داره. در مواردی به ظاهر و پوشش من ایراداتی گرفته طرف یا مورد تمسخر قرار داده مثل چاق یا لاغر بودن، قد و... که باعث ناراحتی می‌شه و در بعضی موارد از الفاظ رکیک و زشت استفاده کردن که یک نوع توهین است و باعث ناراحتی و به هم ریختگی می‌شه و من دیگه تحمل نداشتم و سرشون داد و فریاد کشیدم و البته با ترس و لرز.

شرمنده‌سازی مزاحمان

مینا و مژده هر دو بر آن‌اند که معمولاً با یادآوری مروت مردان کرد و در قالب کلمات خوشایند و فاقد تحریک‌کنندگی و تحقیر سعی می‌کنیم شرمنده‌شان کنیم و مژده اضافه می‌کند که من چند بار با این تکنیک فرد مزاحم را مستأصل کرده‌ام.

اعتراض خشونت‌ورزانه

واکنش دختران به متلک‌پرانی مزاحمان معمولاً از سنخ فاصله‌گرفتن یا نادیده‌انگاری مزاحمان است، اما گاهی واکنش فعالانه اعم از خشمگینانه یا همراه با خشونت متقابل نشان داده‌اند. منیره می‌گوید:

1. Magley

من معمولاً نادیده می‌گیرم، ولی دو سه بار هم دعوا کردم و جر و بحث کردم باهاشون و داشت کار بیخ پیدا می‌کرد.

مehشید نیز می‌گوید:

بستگی به شرایط و موقعیت داره. واکنش‌هام متفاوت بوده، ولی چند بار دعوا کردم و طرف فرار کرده؛ البته از ترس آبروش فرار کرد نه ترس از من.

انزوای تحمیلی

نرگس راهبرد مقابله‌ای خود را یک استراتژی نادر ذکر می‌کند:

خب از لحاظ اجتماعی باعث شده نتونم خیلی تو اجتماع حاضر بشم؛ برخلاف خواسته‌ام. چون که خیلی می‌ترسم که مورد قضاوت قرار بگیرم و این خیلی تأثیر منفی روی روحیه و روانم داره و باعث می‌شه ساعت‌ها تو فکر فرو برم. دوستانی که توی اون موقعیت هم‌رام بودن خودشون هم از این بابت ناراحت شدن.

هر شکلی از مزاحمت خیابانی برای زنان تأثیرات منفی متنوعی را بر جای می‌گذارد و موجب می‌شود که ترس آنان از حضور در مکان‌های عمومی افزایش یابد و احساس امنیت نکنند. در این معنا، «مزاحمت خیابانی نوعی از گتوسازی^۱ غیررسمی زنان- محصور شدن در فضای خصوصی خانه و آشپزخانه را- انجام می‌دهد» [۱۴].

۵) پیامدها

امنیت هستی‌شناختی مخدوش

یکی از نیازهای مهم انسان احساس امنیت است که موجب بالندگی فرد می‌شود، اما زمانی که احساس ناامنی ناشی از مزاحمت مکرر و همراه با الفاظ تحقیرکننده بر فرد غلبه می‌کند، پیامدهای منفی از قبیل بدبینی، ارتباط مخدوش، فقدان اعتماد اجتماعی حاصل آن است. چنان‌که عاطفه تجربه خود را چنین وصف می‌کند:

احساس منفی کل روزم رو دربرمی‌گیره و حس می‌کنم نمی‌تونم راحت و با احساس امنیت تو جامعه‌م زندگی کنم.

وی وضعیت کلی و پیامد تجربه زیسته خودش را «عدم امنیت و آرامش، بی‌اعتمادی، اضطراب و نگرانی، ترس دائمی و...» می‌داند. پریسا تجربه زیسته خودش را از آزاردیدگی خیابانی و در آماج مکرر متلک‌های شرنگ‌آلود قرار گرفتن را «احساس از دست دادن آزادی و آرامش و فقدان حس عضویت در اجتماع» ذکر می‌کند.

1. ghettoization

طرد مردان

طرد مردان و فقدان اعتماد متقابل در روابط فراجنسیتی یکی از پیامدهای بسیار منفی مزاحمت خیابانی است. مهسا پیامد آزاردیدگی کلامی را این‌گونه بیان می‌کند:

به نظرم کار بیخودیه به‌عنوان یه دختر هرگز دید خوبی نسبت به پسری که تیکه می‌ندازه ندارم و این موجب شده هرچی پسره طرد کنم حتی فامیلا رو.

الناز تجربه درگیری ذهنی خود را با موضوع آزار فیزیکی تنه‌زدن، هل‌دادن و نیز انواع تیکه‌های جنسی و جسمی را «متنفرشدن از هر چه مرد است» می‌داند.

داغ بدنامی

ثریا، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه، می‌گوید:

حتی یادآوری اولین تجربه من از مزاحمت خیابانی برام همیشه دلهره‌آور؛ چون در همون لحظه‌ای که یک نفر مزاحمم بود و تندتند متلک می‌گفت، مادرم به تلفنم زنگ زد و می‌خواست از امنیت من مطمئن شه. همون لحظه دریافتم که چقدر عادی‌شدن نامنی برای زنان آزاردهنده‌ست و همراه و همزاد نسل‌های زنانه و این نامنی از نسلی‌به‌نسلی منتقل می‌شه و بخشی از این دل‌مشغولی و مراقبت مادرانه حتی از راه دور نشانه ترس از بدنامیه که بسیار هم وحشتناکه!

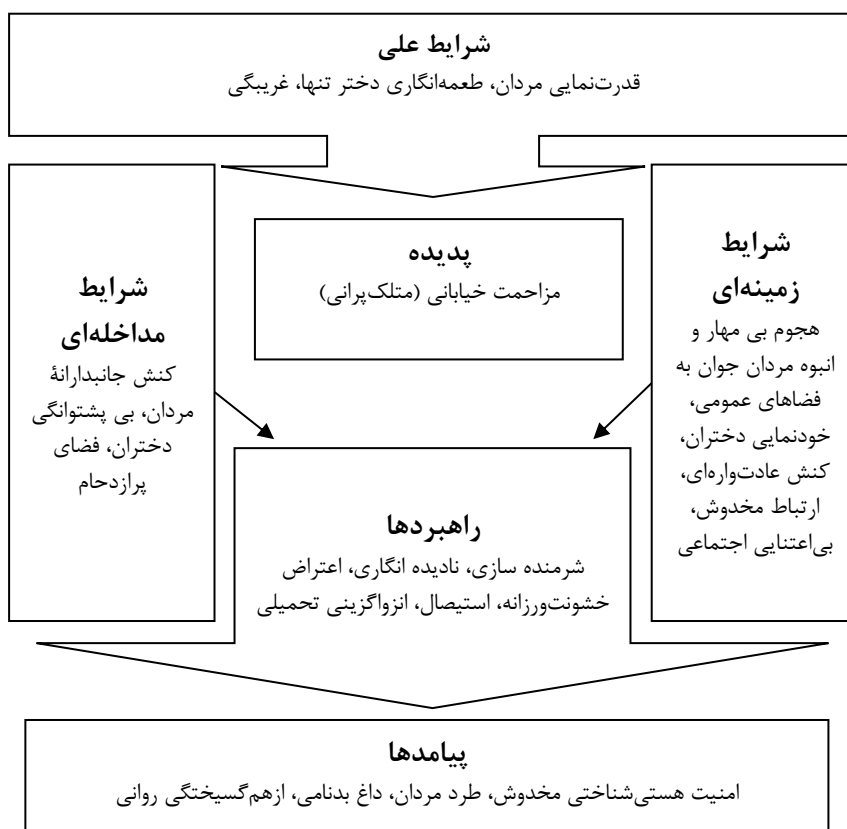
گارنر^۱ (۲۰۱۶) این دانش نسلی منتقل‌شونده از مادر به دختر را به‌عنوان «میراث جنسیتی» مفهوم‌سازی کرده است [۳۵] که با ادعای بووایر^۲ (۲۰۱۱) مبنی بر اینکه زنان «وارث گذشته‌ای سهمگین» هستند، هم‌داستان است [۲۰].

ازهم‌گسیختگی روانی

به نظر اکوره (۲۰۱۲)، مزاحمت خیابانی نوعی از خشونت علیه شخص قربانی را نشان می‌دهد که ممکن است به تجارب درخور توجهی از پریشانی روان‌شناختی منجر شود [۱۶]. در مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده از نمونه مورد مطالعه در این تحقیق نیز مضمونی پرتکرار وجود داشت که حکایت از آن دارد که مزاحمت کلامی مشحون از نوعی از خشونت پنهان یا آشکار است و معمولاً طیفی از ناراحتی‌های روانی خفیف تا ترس شدید را در قربانیان ایجاد می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که متلک محصول شرایط و زمینه‌هایی است که در بستر آن‌ها این نوع از خشونت علیه زنان شکل می‌گیرد و اجرا می‌شود: الف) شرایط علی که متضمن عوامل و دلایلی است که در وقوع مزاحمت خیابانی و متلک‌پرانی از جانب مردان نقشی مستقیم ایفا

1. Maria Garner
2. Beauvoir, S. d.

می‌کنند و ب) بستر و شرایط زمینه‌ای که مشتمل است بر شرایط و بسترهای زمینه‌ساز و تداوم‌بخش و نیز ج) شرایط مداخله‌گری که حاکی از امکان و امتناع یا مشروط‌کننده یا تسهیل‌گر بروز پدیده متلک‌پرانی علیه زنان در فضاهای عمومی هستند و نیز راهبردهای مقابله‌ای زنان و پیامدهای آن بر زندگی‌شان است که در مدل پارادایمی ذیل نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. مدل پارادایمی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نتایج تحقیقات موجود در زمینه موضوع و ادبیات نظری تحقیق نشان می‌دهد که کارهای اندکی با پرسش از خود زنان درباره چگونگی تعریف و درک آنان از تجربه آزاردیدگی و روایت تجربه زیسته‌شان انجام شده است و این تحقیق در پاسخ به چنین نقیصه‌ای و جهت انعکاس تجربه زیسته و روایت دانشجویان دختر از پدیده مزاحمت کلامی انجام شده است. مقارنه

یافته‌های تحقیق با نظریه‌های اندیشمندان حاوی همسانی‌ها و همگرایی‌هایی از جمله در زمینه‌هایی نظیر: «متلک‌پرانی به‌مثابه امری آموخته‌شده» و «درماندگی آموخته‌شده زنان عامل واکنش‌های منفعلانه زنان» (نظریه یادگیری اجتماعی)، «عدم رعایت بی‌اعتنایی مدنی نسبت به زنان در فضاهای همگانی توسط مردان» (نظریه بی‌اعتنایی مدنی گافمن)، «متلک‌پرانی محصول سنت‌های درازدامن سلطه مرد و مردسالاری» (دیدگاه فمینیستی)، «عضویت در گروه همسالان موافق رفتار خشن علیه زنان» (خرده‌فرهنگ خشونت) و نیز «آسیب‌زا بودن متلک» همراه با «ایفای نقش زمینه‌ساز تسلط مردان بر فضاهای عمومی» (گافمن) در مقارنه نظری است و نیز مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگران حاکی از همخوانی‌هایی با نتایج تحقیقات پیشین از جمله با بیلی (۲۰۱۷) و نیز معصوم علی و نیلام (۲۰۱۸) در زمینه تأثیرات نامطلوب مزاحمت خیابانی برای زنان [۱۱؛ ۳۰]، همچنین با بیلی (۲۰۱۷) در مورد شکل‌های مزاحمت کلامی نظیر سلام‌کردن، ابراز شگفتی یا تحسین و درنهایت رواج بی‌اعتمادی [۱۱]، با دیلون و بکایا (۲۰۱۴) در مقوله درماندگی و استیصال و بی‌دفاع بودن زنان [۱۵] و همچنین با ایمان و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه واکنش غالباً منفعلانه و همراه با سکوت دختران به مزاحمین [۲]، با فایر چایلد و رودمن (۲۰۰۸) در زمینه مزاحمت روزمره غریبه‌ها و شی‌انگاری زنان [۱۸]، با محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقوله تعامل‌های مخدوش و دیگر هراسی [۸] بوده است. چنان‌که در قسمت‌های پیشین مقاله بحث شد، براساس روایت‌های دانشجویان دختر، قدرت‌نمایی مردان و طعمه‌انگاری دختر تنها به‌عنوان مقوله‌های شرایط علی و سبب‌ساز در این تحقیق، کلیشه‌های ذهنی جاافتاده و مرسوم درباره آزارگران را از نظر سنی، طبقاتی، تأهل و نیز در مورد خاص‌بودگی سوژه زنانه آزاردیده را به چالش می‌کشند، اما مقوله غریبگی به نوعی برای آزارگران اطمینان‌بخش است و در تحقیقات دیگر نیز چنین بوده است. هجوم بی‌مهاری و انبوه مردان جوان به فضاهای عمومی، ارتباط مخدوش‌شده، خودنمایی دختران و کنش عادت‌واره‌ای به‌عنوان مقوله‌های محوری مربوط به بسترها و شرایط زمینه‌ای حکایت از هنجاری‌شدن فرودستی زنان و به تبع آن شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی مؤید مدارا، صبوری و سکوت در مقابل آزارگران و درنهایت شکل‌گیری نوعی از خرده‌فرهنگ انحرافی در روابط زن-مرد، آزارگر-آزاردیده می‌شود که همان‌گونه که از مقوله مخدوش‌شدن ارتباط فراجنسی برمی‌آید، به زوال گفت‌وگوی ناهمجنس خواهانه و دیگرهراسی جنسی می‌انجامد که در هم‌گشتی با برهم‌کنش‌های مشحون از بی‌اعتنایی اجتماعی مردم به ابتنا، تثبیت و بازتولید روند هنجار شدن این ناهنجاری کمک می‌کند. کنش‌های گروهی همکاری‌جویانه مردان و فضای پرازدحام به‌عنوان شرایط مداخله‌گر بنا به منطق نظریه انتخاب عقلانی برای افراد مزاحم کاربستی معطوف به فراهم ساختن فرصت مزاحمت و کاهش ریسک آزارگری را به دنبال دارد و در امتزاج با مقوله بی‌پشتوانگی دختران و به تعبیر نظریه پنجره‌های شکسته «فضای رهاشده» [۲۹] این فرایند تکمیل می‌شود. مقوله‌های محوری نادیده‌انگاری

مزاحمان، استیصال، و تلاش برای شرم‌نده‌سازی مزاحمان به‌عنوان راهبردهای معمول و شناخته‌شده دانشجویان دختر در این تحقیق، حکایت از «درماندگی آموخته‌شده» و عادت‌شدن نقش «قربانی منفعل» را برای دختران به‌ارمغان می‌آورد و انزوای تحمیلی نیز نوعی از گتوسازی غیررسمی زنان و به قول کیسلینگ (۱۹۹۱) «تروریسم جنسی» [۲۶] را تداعی می‌کند و به تمهید سازوکارهای بازتولید بسترهای فرهنگی و مشحون از مؤلفه‌های فرهنگ مردسالارانه کمک می‌کند، زیرا بخش عمده واکنش‌ها و راهبردهای اتخاذشده در نمونه بررسی‌شده از نوع منفعلانه و همراه با نوعی از درماندگی است. به عبارتی، در تحلیل یافته‌های تحقیق، مقوله‌های محوری متعددی که در ابعاد مربوط به شرایط، راهبردها و پیامدها کشف شده‌اند، در یک تحلیل هم‌زمان به‌نمایی کلی از مقوله‌ها برمی‌خوریم که سیمای کلی پدیده آزاردیدگی دانشجویان دختر را، به‌ویژه در قالب راهبردهای تعاملی آنان نمایان می‌کند. چنان‌که پیش‌تر دیدیم، این راهبردها عمدتاً ناظر بر راهبردها و واکنش‌های انفعالی نظیر توسل به شرم‌نده‌سازی مزاحمان، نادیده‌انگاری و سکوت، استیصال یا تحمیل انزوا بر خویش است. از برآیند تلفیق محتوای این مقوله‌ها، مقوله هسته «مرسوم‌شدن سکوت زنان در مقابل آزارگری» استخراج شده است، زیرا این واکنش‌ها به شکل آیینی زنانه تجلی می‌یابند که می‌توان ماحصل آن را ذیل این مقوله مورد تحلیل قرار داد که اشکالی از خرده‌فرهنگ انحرافی را پرورش می‌دهد. دختران دانشجویی که آماج متلک‌های شرنگ‌آلود مکرر قرار می‌گیرند با احساس مخدوش‌شدگی امنیت هستی‌شناختی خویش مواجه‌اند و برای گریز از این وضعیت، ناگزیر از مدیریت رفتار خویش و اتخاذ استراتژی فعالانه مدیریت رفتار جهت غلبه بر این حس ناامنی می‌شوند، زیرا به قول کیسلینگ (۱۹۹۱) مزاحمت کلامی مشحون از خشونت پنهان و آشکار است [۲۶] که به دنبال مطیع‌سازی زنان است.

پیشنهاد پژوهشی

دو موضوع به‌عنوان شکاف^۱ در دانش مرتبط با مزاحمت علیه زنان در تحقیقات کشور ما وجود دارد که شایسته بررسی‌اند: اول: نکته‌ای که در تحلیل متلک نباید مغفول بماند و نیازمند تحلیل‌های کیفی از نوع روایت‌پژوهانه و پدیدارشناسانه در مورد روایت‌های مردانه (آزارگران) و زنانه (آزار دیدگان)، این مزاحمت‌های کلامی، شقوق، فرایند و نحوه وقوع آن است. دوم: با فراگیرشدن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آنلاین و آفلاین مبتنی بر وب ۲ و حضور گسترده مردان و زنان غالباً جوان در این فضاها و نیز کوچ آزارگران به فضای مجازی، توجه محققان به تحقیق و تأمل‌ورزی در این مورد ضرورت دارد.

1. gap

منابع

- [۱] استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت (۱۳۹۷) *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۲] ایمان، محمدتقی؛ یوسفی، الهام و حسین‌زاده، مرتضی (۱۳۹۰). «بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۶۳-۹۳.
- [۳] ذکایی، سعید (۱۳۸۴). *مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف*، تهران: آرشیو سازمان ملی جوانان.
- [۴] ریاحی، محمداسماعیل؛ لطفی خاچکی، طاهره (۱۳۹۵). «تحلیل اجتماعی عوامل مؤثر بر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن زنان و دختران دانشگاه مازندران»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، س ۵، ش پیاپی ۱۳، ش ۲، ص ۶۹-۸۸.
- [۵] سیدمن، استیون (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، چ ۲.
- [۶] کرسول، جان (۱۳۹۲). *پویش کیفی و طرح پژوهش*، ویرایش دوم، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.
- [۷] کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۸] محمدی، جمال؛ جهانگیری، امید و پاکدامن، یوسف (۱۳۹۵). «تجربه احساس ناامنی زنان در فضاهای شهری»، *مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، س ۱۷، ش ۳۳، ص ۷-۳۰.
- [۹] مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات سیاسی و اجتماعی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۶۷ و ۱۶۸، ص ۱۵۲-۱۶۵.
- [۱۰] موسوی، منصوره (۱۳۹۷). *تابوی زنانگی*، تهران: مروارید.
- [11] Bailey, Benjamin (2017). "Street remarks to women in five countries and four languages": *Impositions of engagement and intimacy, Sociolinguistic Studies*, PP 589-609.
- [12] Battacherjee, anol (2012). *Social Science Research: Principles, Methods, and Practices*, USF Tampa Bay Open Access Textbooks Collection. *Book 3*.
- [13] Beauvoir, S. d. (2011). *The Second Sex*, Borde, C., & Malovany- Chevallier, S. (transl.), Vintage.
- [14] Bowman, C. G. (1993). Street harassment and the informal ghettoization of women, *Harvard Law Review*, 106, PP 517-580.
- [15] Dhillon, megha and Bakaya, Suparana (2014). "Street Harassment: A Qualitative Study of the Experiences of Young Women in Delhi, sage journals, sage open, PP 1-11.
- [16] Ekore, John O. (2012). "Gender differences in perception of sexual harassment among university students", *Gender and Behavior* 10, no. 1: PP 4358-4369.
- [17] El-Guindi FK, Ragheb SG and Alkhateeb R (2018). "Health Educational Program Regarding Prevention of Sexual Harassment among Young Female Adolescents", *Journal of Community Medicine & Health Education*, Volume 8, PP 1-10.
- [18] Fairchild, Kimberly & Rudman, Laurie A. (2008). *Everyday Stranger Harassment and Women's Objectification*, Springer Science & Business Media, LLC.

- [19] Farmer, Olivia & Jordan, Sara Smock (2017). "Experiences of Women Coping With Catcalling Experiences in New York City: A Pilot Study", *Journal of Feminist Family Therapy*, Volume 29, Issue 4, PP 205-225.
- [20] Gray, F. Vera (2017). *Men's Intrusion, Women's Embodiment*, A critical analysis of street harassment, *New York: Routledge*.
- [21] Goffman, E. (1963). *Behavior in Public Places*. New York: Free Press.
- [22] Goffman, E. (1983). "The interaction order", *American Sociological Review*. 48: PP 1-17.
- [23] Gelles, Richard J. (1983). "An Exchange/ Social Theory", *The dark side of families: Current family violence research*, PP 151-165.
- [24] Harman, Lesley (1988). *The Modern Stranger*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- [25] jasinski, jana L. (2001). *Theoretical explanations for violence against women*; in: - Renzetti, C.M., Edleson, J.L. & Bergen, R.K. (2001) *Sourcebook on violence against women*, USA: Sage Publishers.
- [26] Kissling, Elizabeth Arveda. (1991). "Street harassment: The language of sexual terrorism", *Discourse & Society* 2, no. 4: PP 451-460.
- [27] Magley, V. J. (2002). "Coping with sexual harassment: Reconceptualizing women's resistance", *Journal of Personality and Social Psychology*, 83, PP 930-945.
- [28] Fatima, Mareah Peoples (2008). *Street Harassment in Cairo: A Symptom of Disintegrating Social Structures*, <https://www.researchgate.net/publication/265673227>.
- [29] Maskaly, John & Bogges, Lindsay N. (2014). *Broken Windows Theory*, Blackwell Publishing Ltd.
- [30] Masoom Ali, Saima and Neelam, Naz (2018). "Experiencing Street Harassment and Fear of Victimization", *Journal of Social Sciences and Humanities*, PP 40-51.
- [31] Olson, Inna Angelina; in: Dobbert, Duane L. and Mackey, Thomas X. (2015). *Deviance: Theories on Behaviors That Defy Social Norms*, Praeger.
- [32] Paludi, Michele A. & Brickman, Richard B. (1998) *Sexual Harassment*, Work and Education, A Resource Manual for Prevention, second edition, State University of New York.
- [33] Rampton, Ben & Eley, Louise (2018). "Goffman and the everyday interactional grounding of surveillance", *King's College London*, paper 214, PP 1-27.
- [34] Renzetti, C.M., Edleson, J.L. & Bergen, R.K. (2001) *Sourcebook on violence against women*, USA: Sage Publishers.
- [35] Sánchez-Díaz, Lucia Teresa (2018). *Street harassment perception and its relations with self-objectification of women*, interdisciplinary, open access journal.
- [36] Wolfgang, M. & Ferracutti, F., (1982). *The subculture of violence*, (2th ed.), London Tavistok.